

فرا فکنی

در فرهنگ و ادب فارسی



با شواهدی از آثار ناصر خسرو، عطار، نظامی، مولوی، حافظ، و دیگران

نویسنده

احمد کتابی



تهران ۱۳۸۳

«اگر می‌بایست چندان تأمل کنم که خامی‌های کارم
همه پخته و کاستی‌های آن همه برطرف شود، نگارش
این کتاب هرگز به پایان نمی‌رسید.»
*
دای دون، تدوین‌کننده تاریخ خط چینی
قرن ۱۳ م

فهرست مطالب

سیزده	پیشگفتار
هفده	زبان خامه ندارد توان عرض سپاس
۱	درآمد
۲	تعریف و توضیح مفهوم فرافکنی
۵	بخش اول - ردیابی مفهوم فرافکنی در آثار سخنوران متقدم ایران
۷	حکیم ابوالقاسم فردوسی
۸	ماجرای دلبستگی سودابه به سیاوش
۱۲	ابونصر علی ابن اسدی طوسی
۱۳	حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی
۱۹	مسعود (بن) سعد سلمان
۲۰	حجه الحق حکیم عمر خیام نیشابوری
۲۲	مجدود ابن آدم سنائی غزنوی
۲۲	حکایت زنگی و آیینه
۲۲	گفت و گوی پسر احول با پدر
۲۲	مناظرة الولد مع الوالد
۲۵	افضل الدین بدیل... خاقانی شروانی
۲۶	حکیم ابوالمحمد الیاس بن یوسف... نظامی گنجوی

۲۶	عیسی و مردار سگ
۲۸	ماجرای پادشاه و پیرمردی که ظالمش خوانده بود
۳۰	ماجرای حیله خسرو برای نابودی رقیبیش فرhad
۳۲	شیخ فریدالدین عطار نیشابوری
۳۳	نگریستن زنگی در آب
۳۴	گفت و گوی دو مست
۳۵	عیسی و مردار سگ
۳۶	ماجرای بازیزید و سگ
۳۷	حکایت شبلی و سگ
۳۸	اکافی و دزد کفش
۴۰	عمادی شهریاری
۴۱	شمس الدین محمد تبریزی
۴۴	مولانا جلال الدین محمد بلخی
۴۶	شواهد منظوم
۴۶	داستان شیر و مکر خرگوش (نخبیر)
۵۱	ماجرای منازعه چهار نمازگزار هندو
۵۲	حکایت هندوی سیاه چهره و آیینه
۵۵	ماجرای پیامبر (ص) و ابو جهل
۵۶	مناظرة معاویه با ابلیس
۵۸	انتساب قصورها و تقصیرها به قضا و قدر:
۵۸	ماجرای حسدورزی امیران دربار غزنوی به ایاز
۶۰	اذعان آدم به گناهکاری و لجاجت شیطان در انکار آن
۶۲	بازتاب احوال درون بر جهان بیرون
۶۲	اختلاف حالات، اختلاف برداشت‌ها
۶۳	ماجرای طوطی و بقال
۶۴	حضرت یعقوب (ع) و برادران یوسف
۶۶	روشنایی گریزی خفاش و محرومیت قهری او

فهرست مطالب

نه	
۶۶	فرافکنی و دشواری فرار از خویشتن
۶۸	شواهد پراکنده
۶۸	در مثنوی
۷۲	در رباعیات
۷۲	در غزلیات دیوان شمس
۷۵	ابو جعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی
۷۷	ناصرالدین خسرو شهیر به مولانا ناصری
۷۸	شیخ مصلح الدین بن عبدالله شیرازی / سعدی
۸۱	بهاءالدین ابن جلال الدین مولوی (سلطان ولد)
۸۲	رکن الدین اوحدی مراغه‌ای (اصفهانی)
۸۳	محمود بن ... ابن یمین فریومدی
۸۴	عیید زاکانی
۸۶	خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی
۹۲	مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی
۹۲	زنگی و آینه
۹۳	ماجرای دلدادگی زلیخا به یوسف
۱۰۲	حکایتی دیگر
۱۰۳	مولانا فخرالدین علی صفی
۱۰۶	میرزا محمد علی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی
۱۰۹	ملا رفیع الدین واعظ قزوینی
۱۱۰	میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی
۱۱۲	میرزا ابوالقاسم قائم مقام
۱۱۳	میرزا حبیب قاآنی شیرازی
۱۱۵	بخش دوم - ردیابی مفهوم فرافکنی در آثار سخنوران معاصر ایران
۱۱۷	حسن و ثوق / وثوق الدوله
۱۱۷	آینه عیب

- ۱۱۸ واقع‌نمایی آیینه
- ۱۲۰ غمام همدانی
- ۱۲۱ حسن وحید دستگردی
- ۱۲۱ نکویی و بدی
- ۱۲۱ ماهی و خرچنگ
- ۱۲۱ خار و گل
- ۱۲۳ عالمتاج قائم مقامی / ژاله
- ۱۲۴ پروین اعتضامی
- ۱۲۴ نقی فرافکنی بر قضا و قدر
- ۱۲۶ انتقاد از فرافکنی در قالب مناظره
- ۱۲۶ آیین آیینه
- ۱۲۷ دیوانه و زنجیر
- ۱۲۸ سیه‌روزی
- ۱۲۹ عیب‌جو
- ۱۳۰ نکوهش بیجا
- ۱۳۱ نکوهش نکوهیده
- ۱۳۱ نااهل
- ۱۳۲ شواهد پراکنده
- ۱۳۴ غلامرضا رشید یاسمی
- ۱۳۴ آیینه اخلاق
- ۱۳۵ (علی اسفندیاری / نیما یوشیج)
- ۱۳۵ آنگاسی
- ۱۳۷ سید غلامرضا روحانی
- ۱۳۷ دیوان عدالت
- ۱۳۹ سید کریم امیر فیروزکوهی
- ۱۴۰ علی خلیلیان (رجاء اصفهانی)
- ۱۴۰ حکایت

۱۴۲ محمد باقر الفت (اصفهانی)
 ۱۴۳ شواهد پراکنده از شاعران مختلف:

۱۴۷	فرا فکنی در امثال و حکم
۱۵۳	فرا فکنی در داستان های فرهنگ مردم (فولکلوری)
۱۵۳	ماجرای سه دختر الکن و خواستگاران
۱۵۴	من می گوییم تاف، تو نگو تاف، تو بگو تاف
۱۵۴	من می گوییم آئف تو نگو آئف بگو آئف
۱۵۴	از خود تو می ترسم!
۱۵۴	نوکر حاکم است هر چه خواهد تواند کرد!
۱۵۵	یک روز من بیمار می شدم یک روز استادم...
۱۵۵	زن روستایی و آبینه
۱۵۷	پی نوشت
۱۸۱	ملحقات
۱۸۷	منابع

پیشگفتار

هفت سال پیش، ضرورت اجرای طرح «شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی»^۱، که بخش مربوط به تساهل و تسامح آن به راقم این سطور محول شده بود، توفیق مطالعه دقیق و مکرر دیوان‌های سخنواران بزرگ ایران زمین - بویژه فردوسی، مولوی، سعدی، و حافظ - را به من ارزانی داشت. ضمن تفحص در آثار این بزرگان، که مقصود اصلی آن استخراج شواهد راجع به تساهل و تسامح بود، گاه و بی‌گاه، به شاهدھای دیگری در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی برミ خوردم که هر کدام، به نوبه خود، برایم تازگی داشت و نشان می‌داد که بسیاری از مسائل و نظریاتی که هم اکنون در عرصه علوم انسانی و اجتماعی مطرح است، در فرهنگ و ادب فارسی نظایر و ریشه‌هایی شایان توجه و تأمل دارد. این معنی مرا بر آن داشت که ضمن تعقیب هدف اصلی به فیش‌برداری از این شواهد و یا دست کم علامت‌گذاری آن‌ها بپردازم. از جمله موضوعاتی که از همان آغاز کار، توجه مرا به خود جلب کرد فرافکنی - از مفاهیم اساسی روان‌شناسی نوین - بود. بزودی پی‌بردم که این مفهوم در ادب فارسی، بویژه در آثار مولانا، به گونه‌ای گستردۀ مطرح شده و گاه در مورد آن تحلیل‌های عمیق روان‌شناختی ارائه گردیده است.

با پایان یافتن اجرای طرح بررسی تساهل و تسامح، یادداشت‌های پراکنده‌ای را که به مرور زمان در زمینه فرافکنی فراهم آمده بود، گردآوری،

۱. از طرح‌های موظف و مصوب پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهارده

فرازکنی در فرهنگ و ادب فارسی

تنظیم و طبقه‌بندی کردم. ضمناً، با گستردere تر کردن دامنه بررسی، کوشیدم انعکاس فرازکنی را در آثار سایر سخنوران فارسی، اعم از متقدم و متاخر، نیز ردیابی کنم.

رساله حاضر، حاصل تلاشی چند ساله است و گویای این واقعیت شگفت‌انگیز و غرور آفرین که در چنین موضوعی مشخص و محدود، سخنوران نامدار پارسی این همه، به نظم و نثر، سخن رانده‌اند.



اکنون که این سطور را می‌نگارم بی اختیار در برابر گستره بی‌کران و ژرفای بی‌پایان دریای عظیم ادب و فرهنگ گران‌سنگ ایران زمین احساس شگفتی و سرافرازی می‌کنم و از این‌که درمی‌یابم طی شصت و دو سال عمر بی‌حاصل خویش، توفیق آن را نداشت‌هم که «هم به قدر تشنگی» از این بحر بی‌نهایت بنویشم^۱، خود را مغبوث می‌یابم و بر فرصت‌های از دست رفته تاسف می‌خورم. دریغا! زمانی به فکر بهره‌گیری از این گنجینه بی‌انتها افتاده‌ام که از عمر جز ایامی معدود باقی نمانده است.^۲

در پایان، از این‌که، با بضاعتی بس مزاجه، پا از گلیم خود بیرون نهاده و در زمینه‌ای کاملاً خارج از سوابق تحصیلی خود به قلمزنی پرداخته‌ام، صادقانه از محضر استادان گران‌قدر زبان و ادب پارسی و دیگر صاحب‌نظران پوزش می‌طلبیم و خود را مصدق بارز این سخن می‌بینم که «من لم يَعْلَمْ عِلْمًا صَنَفَ كِتَابًا فِيهِ»^۳ از این رو این بیت مشهور پیر گنجه، نظامی، را وصف حال و عذرخواه خود قرار می‌دهم:

۱. آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

(مولوی)

۲. حضرت علی(ع) را در نهج البلاغه، درباره اندک باقیمانده عمر، تعبیر بسیار زیبا و آموزندۀ‌ای است: ... لا يَبْقَى مِنْهَا أَصْبَابَهُ كَصَابَاهُ الْأَنَاءَ اصْطَهَبَهَا أَصَابُهَا (از عمر جز اندکی - به قدر صبابه‌ای که در طرف می‌ماند - باقی نمانده و ریزندۀ آن، همه آن را فرو ریخته است).

صابابه، در لغت عرب، به معنای یکی دو قطۀ آب و یا اندک رطوبتی است که، پس از خالی شدن طرف، احیاناً در ته آن باقی مانده باشد.

۳. کسی که از دانشی ناگاه است، به تصنیف کتابی درباره آن پرداخته است.

پانزده

پیشگفتار

بر دلم آید که گنه کرده‌ام این ورقی چند سیه کرده‌ام
احمد کتابی
شهریور ۱۳۸۱